

Economic Growth and Development Research

Open
Access

ORIGINAL ARTICLE

Study of the Relationship between Indexes of Justice and Economic Growth in the Iranian Economy from the Islamic Economists Perspective

Hosein Eivazloo¹, Masoumeh Motallebi^{2*}

1. Associate Professor, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

2. Ph.D. in Economics, Lorestan University, Khoramabad, Iran.

Correspondence

Masoumeh Motallebi

Email:

masoumehmotallebi@yahoo.com

How to cite:

Eivazloo, H. & Motallebi, M. (2024). Study of the Relationship between Indexes of Justice and Economic Growth in the Iranian Economy from the Islamic Economists Perspective. *Economic Growth and Development Research*, 14(55), 35-52.

ABSTRACT

In this article examines the relationship between justice from the Islamic perspective and economic growth. In the present study seeks to consider the indexes of justice in the stage of distribution before production and distribution after production based on the approach of martyr ayatollah Mohammad Baqir Sadr and other Islamic economists and has been investigated the relationship between justice and growth in two models. Results of estimating the first model using Autoregressive Distributed Lag (ARDL) over 1978-2019 reveals that the physical quality of life index as the justice index before production and the Amartya Sen welfare index as the justice index after production Have short-term and long-term positive impacts on the growth of gross domestic product. The results of the second model using the Fully-Modified Ordinary Least Square method over 1978-2019 indicated that the Amartya Sen welfare index and economic liberalization as the social justice index had a positive impact on the growth of gross domestic product. Thus, justice must be paid special attention in various stages of production so that it can impact the improvement of growth, and the establishment and maintenance of economic and social justice can play a significant part in the increase of GDP and sustainable development.

KEYWORDS

Economic Justice from the Islamic Perspective, Pre-Production Distribution, Post-Production Distribution, Economic Growth, ARDL Model, FMOLS Method.

JEL Classification: C22, O40.



فصلنامه علمی

پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی

«مقاله پژوهشی»

بررسی رابطه بین شاخص‌های عدالت و رشد اقتصادی در اقتصاد ایران از دیدگاه اقتصاددانان اسلامی

حسین عیوضلو^۱، معصومه مطلبی^{۲*}

چکیده

در این مقاله رابطه بین عدالت از دیدگاه اسلامی و رشد اقتصادی بررسی می‌شود. در پژوهش حاضر سعی شده است، مطابق با رویکرد شهید آیت الله محمد باقر صدر از عدالت، شاخص‌های عدالت قبل از تولید، بعد از تولید و حین تولید در نظر گرفته شود و رابطه بین عدالت و رشد در دو مدل بررسی می‌شود. نتایج تخمین مدل اول با استفاده روش خودتوضیح برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL) طی دوره زمانی ۹۸-۱۳۵۷ نشان می‌دهد که شاخص فیزیکی کیفیت زندگی به‌عنوان شاخص عدالت قبل از تولید و شاخص رفاه آماریاسن به‌عنوان شاخص عدالت بعد از تولید، در کوتاه‌مدت و بلندمدت اثر مثبت بر رشد تولید ناخالص داخلی دارد. همچنین، نتایج مدل دوم با استفاده از روش حداقل مربعات کاملاً اصلاح‌شده (FMOLS) طی دوره زمانی ۹۸-۱۳۷۵ نشان می‌دهد که شاخص رفاه آماریاسن و شاخص آزادسازی اقتصادی به‌عنوان شاخص عدالت اجتماعی اثر مثبت بر رشد تولید ناخالص داخلی دارد. بنابراین، برای اثرگذاری عدالت بر بهبود رشد لازم است به عدالت در مراحل مختلف تولید به‌ویژه عدالت حین تولید توجه ویژه‌ای شود و برقراری و حفظ عدالت اقتصادی و اجتماعی می‌تواند نقش زیادی در افزایش تولید ناخالص داخلی و توسعه پایدار داشته باشد.

واژه‌های کلیدی

عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلامی، عدالت اجتماعی، رشد اقتصادی، مدل ARDL، روش FMOLS.

طبقه‌بندی JEL: C22، O40.

۱. دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.
۲. دانش‌آموخته دکتری علوم اقتصادی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

نویسنده مسئول:

معصومه مطلبی

رایانامه:

masoumehmotallebi@yahoo.com

استناد به این مقاله:

عیوضلو، حسین و مطلبی، معصومه. (۱۴۰۳). بررسی رابطه بین شاخص‌های عدالت و رشد اقتصادی در اقتصاد ایران از دیدگاه اقتصاددانان اسلامی. فصلنامه علمی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱۴(۵۵)، ۳۵-۵۲.

https://egdr.journals.pnu.ac.ir/article_10887.html

۱- مقدمه

ارتقای شاخص‌های حیات جمعی و ثبات نظام اسلامی در گرو ارائه مفاهیم کاربردی درباره موضوعات اساسی است. عدالت مهم‌ترین شاخص ارتقای حیات انسانی و برقراری عدالت یکی از اصلی‌ترین اهداف در جامعه اسلامی است (حسینی، ۱۳۹۰: ۶). مروری بر آیات اقتصادی نشان می‌دهد که برقراری عدالت از اهداف اسلام و جامعه اسلامی است. در دهه‌های اخیر، جهانی‌سازی، بی‌عدالتی اقتصادی در جامعه جهانی را به شدت تشدید کرده است و جامعه بشری به دوره‌ای وارد شده است که ۱٪ ثروتمند، ۹۹٪ ثروت را کنترل می‌کنند (هلمپن^۱، ۲۰۱۶: ۳۹). نابرابری درآمد انتقال بین نسلی ثروت را شکل می‌دهد که انعطاف‌ناپذیری طبقه اجتماعی را تشدید می‌کند و خلاقیت و عملکرد ارزش‌های اجتماعی نظیر عدالت اجتماعی، امنیت و ثبات، رفاه، انسجام اجتماعی و مانند اینها را از بین می‌برد (لی و وانگ^۲، ۲۰۲۰: ۲).

بعد از اصلاح اقتصادی و تعدیل ساختاری از اواخر دهه ۸۰ میلادی در کشورهای در حال توسعه، این مسئله بیشتر بیان می‌شود که رشد اقتصادی و برابری اجتماعی باید همسو با هم حرکت کنند. رشد اقتصادی به منظور بهبود استانداردهای زندگی، تولید، اشتغال و کاهش فقر ضروری است. به علاوه، رشد درآمدی را برای دولت از طریق مالیات ایجاد می‌کند که می‌تواند در برنامه‌های اجتماعی خرج شود. با این حال رشد عموماً قادر به اصلاح نابرابری‌های ثروت و درآمد وسیع نیست که بتواند پایداری اجتماعی و کلان را تحت تأثیر قرار دهد که آن هم باعث تضعیف رشد اقتصادی شود (سلیمانو^۳، ۱۹۹۸: ۳۲). امروزه پس از فراز و نشیب‌های فراوان در هدف‌ها و راهبردهای پیشرفت و توسعه، اهمیت عدالت بر همگان آشکار شده و این باور به وضوح به اثبات رسیده که توسعه بدون عدالت امکان‌پذیر نیست و چنین توسعه‌ای اگر هم در کوتاه‌مدت اتفاق بیافتد در بلندمدت خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به بار می‌آورد. از این رو عدالت در عرصه‌های عملی و نظری به دغدغه عمومی جوامع مختلف تبدیل شده است (حسینی، ۱۳۸۷: ۷).

با توجه به اینکه عدالت یکی از مهم‌ترین موضوعات در متون اسلامی است و اولین هدف تشکیل جامعه اسلامی استقرار عدالت است و با توجه به اینکه ایران به عنوان یک

کشور اسلامی در حال توسعه، یکی از اهداف مهمش رشد اقتصادی مداوم و دستیابی به توسعه پایدار است، تبیین رابطه بین عدالت (اقتصادی و اجتماعی) و رشد اقتصادی نقش مهمی را در سیاست‌گذاری درست سیاست‌گذاران اقتصادی برای پیگیری اهداف توسعه‌ای با حفظ عدالت در جامعه دارد. در واقع، وجود عدالت اقتصادی در تمام مراحل تولیدی می‌تواند نقش مهمی را در رشد و توسعه متوازن و ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاران و نیروی کار برای همراهی با سیاست‌گذاران در مسیر توسعه بلندمدت داشته باشد. زیرا دنبال کردن اهداف توسعه‌ای بدون در نظر گرفتن جنبه‌های مختلف عدالت می‌تواند فرآیند رشد و توسعه اقتصادی را منحرف کند و آثار زیانباری را در اقتصاد ایران داشته باشد و همچنین باعث عدم اطمینان افراد به سیاست‌گذاران می‌شود. همه موارد بیان شده باعث منحرف شدن فرآیند توسعه و بهبود اقتصادی و بدتر شدن شرایط اقتصادی می‌شود. بنابراین، در پژوهش حاضر، در کنار سایر متغیرهای مؤثر بر رشد اقتصادی، اثر شاخص‌های عدالت اقتصادی و اجتماعی بر رشد اقتصادی با محوریت رویکرد مرحوم شهید صدر بررسی می‌شود. در واقع، این مسئله بررسی می‌شود که با در نظر گرفتن شاخص‌هایی برای عدالت در مراحل اصلی ساختار نظام اقتصاد اسلامی، اثر شاخص‌های مختلف عدالت بر رشد اقتصادی در اقتصاد ایران به عنوان یک جامعه اسلامی چگونه است؟

عدالت اقتصادی اگرچه باید بر مبنای فلسفی و کلامی باشد؛ اما در این عرصه جنبه‌های فلسفی و کلامی عدالت فقط در حد اصول موضوعه بحث می‌شوند. بنابراین، بحث‌های عدالت در عالم تکوین و طبیعت از موضوع بحث عدالت اقتصادی خارج است. همچنین، لازم است میان عدالت اقتصادی و عدالت در حوزه اخلاق تمایز قائل شد؛ زیرا در علم اخلاق مسئله عدالت، پیدا کردن حد وسط و اعتدال میان افراط و تفریط است نه رابطه‌ها و نظامی که مبتنی بر حق و نفی تبعیض باشد. بنابراین، در عدالت اقتصادی به صورت یکی از شاخه‌های عدالت اجتماعی، مواردی که به رابطه انسان با خدا مربوط می‌شود، بحث نمی‌شود بلکه بحث در چگونگی رابطه‌ها و ساخت نظام اقتصادی و مطلوب بودن آنها از حیث رعایت حقوق اجتماعی است (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۳).

اقتصاد اسلامی با حفظ اصول و موازین اسلامی، به لحاظ روش تحلیل و پژوهش، جمود و جزم‌نگری ندارد و اقتصاددانان اسلامی در به کارگیری فروض و پردازش مفاهیم

1. Helpman
2. Li & Wang
3. Solimano

می‌توانند از روش‌های رایج و معتبر علمی در تبیین مفاهیم و روابط میان متغیرهای مورد بحث بهره‌گیری نمایند و لذا از این منظر، هر نوع روشی که با مبانی اسلامی تعارضی نداشته باشد، قابل پذیرش است و می‌تواند در پژوهش‌ها و نظریه‌پردازی اسلامی به کار گرفته شود. بنابراین، در اقتصاد اسلامی با فرض ثبات مبانی ارزشی و عقیدتی می‌توان از روش‌های تجربی و عقلی و هر روش معتبر علمی برای شناخت موضوعات و بررسی متغیرها استفاده کرد (عیوضلو، ۱۳۹۹: ۱۶۸). بنابراین، با در نظر گرفتن این مورد در پژوهش حاضر، برای عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلامی مطابق با مطالعات انجام‌شده در ایران شاخص‌های مختلفی تعریف شده و رابطه عدالت و رشد با استفاده از مدل‌های اقتصادسنجی بررسی می‌شود.

در مکتب اقتصادی اسلام همان‌گونه که شهید صدر بیان کرده‌اند، قواعد عدالت هم درباره امکانات و فرصت‌های اولیه و هم درباره فرآیندها و روش‌های سهم‌بری عوامل تولید از محصول فعالیت‌های اقتصادی و هم درباره نتیجه و غایت‌های سیاست‌ها ارائه شده است (حسینی، ۱۳۸۷: ۲۰). در این پژوهش نیز سعی شده است مطابق با تعریف عدالت اقتصادی در اقتصاد اسلامی از شاخص‌های مختلفی برای عدالت قبل از تولید و بعد از تولید، برای تبیین رابطه بین عدالت و رشد اقتصادی استفاده شود. در مطالعه حاضر برای تبیین بهتر رابطه عدالت و رشد در کنار شاخص‌های مختلف عدالت از متغیرهای اثرگذار بر رشد شامل، سرمایه‌گذاری، شاخص سرمایه انسانی و شاخص بازبودن تجارت در دو مدل طی سال‌های ۹۸-۱۳۵۷ و ۹۸-۱۳۷۵، استفاده شده است.

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- پیشینه نظری

به تعبیر مرحوم شهید صدر هر جا سخن از نظام اجتماعی اسلام و مکتب اجتماعی اصلاح‌گر است، محور اصلی اندیشه عدالت اجتماعی است. برای مثال، کتاب اقتصادنا در بردارنده طرح آن متفکر در طراحی نظام عادلانه اقتصادی است. بنابراین، اندیشه عدالت در متفکرانی نظام‌ساز همچون شهید صدر در کلیدواژه عدالت منحصر نمی‌شود (سرآبادانی تفرشی و پیغامی، ۱۳۹۶: ۳۸). به باور شهید صدر، اصل عدالت اجتماعی یکی از ارکان سه گانه چارچوب کلان اقتصاد اسلامی (در کنار اصل مالکیت چندگانه و آزادی اقتصادی محدود) است (صدر، ۱۴۲۹، ج ۱۷: ۱۷۲). در نظام فکری شهید صدر، نوعی ارتباط

منطقی و منسجم بین این سه رکن وجود دارد و کاملاً مرتبط با یکدیگر و در تعامل با هم هستند (همان، ۱۴۲۹، ج ۳: ۳۲۲). از سوی دیگر، مالکیت با دستگاه توزیع ثروت جامعه مرتبط است و از آنجا که محور حاکم بر این دستگاه طبق نگرش شهید صدر عدالت اجتماعی است؛ پس مالکیت ذیل عدالت اجتماعی است. همین تحلیل در مورد مسئله آزادی‌های محدود اقتصادی برای افراد نیز مطرح است. آزادی فردی نامحدود در نظام سرمایه‌داری، در مکتب اقتصاد اسلامی نامشروع است، چون با عدالت اجتماعی ناسازگار است و دو رکن آزادی اقتصادی محدود و مالکیت چندگانه در کنار عدالت اجتماعی است که مکتب اقتصاد اسلامی را از مکتب سرمایه‌داری و سوسیالیسم متمایز می‌نماید (سرآبادانی تفرشی و پیغامی، ۱۳۹۶: ۴۵).

در تبیین نظریه عدالت در بستر مراحل مختلف اقتصادی، عدالت اسلامی در نظریه‌های تولید، توزیع، مبادله و مصرف تحت عنوان مراحل چرخه فعالیت اقتصادی قابل ردیابی است. نظریه عدالت اسلامی در مقوله توزیع، گستره وسیع توزیع ثروت شامل توزیع منابع مادی تولید تا توزیع ثروت‌های تولیدشده را شامل می‌شود (صدر، ۱۴۲۹، ج ۳: ۳۸۶). در این نگرش، مکتب اسلام، عوامل تولید را همگن ندانسته و در یک سطح قرار نمی‌دهد و هم‌سطح قرار دادن انسان به‌عنوان خلیفه الهی در عالم هستی با سرمایه‌فیزیکی و مالی را اهانت به کرامت انسانی تلقی می‌کند. بنابراین، با توجه به ناهمگن بودن عوامل تولید، برقراری روابط توزیعی عادلانه با در نظر گرفتن یک قالب ساده امکان‌پذیر نیست. بنابراین، مطابق دیدگاه مکتب اسلامی در شرایط مختلف تعامل میان عوامل تولید و قواعد مختلف تضمین‌کننده عدالت اقتصادی است (صدر، ۱۳۸۶: ۷۹-۸۰).

در راستای گردش ثروت در نظام توزیع اسلامی دو معیار اولیه توزیع، نیاز و کار حضور دارند. پذیرش معیار کار، به‌معنای پذیرش نابرابری‌های اجتماعی (کمی و کیفی) با توجه به تنوع استعدادهای انسانی است. پذیرش معیار نیاز با توجه به اصل تأمین اجتماعی (تکافل عام و مداخله‌های دولت اسلامی) در عدالت اسلامی است. ابزار ثانویه توزیع نیز مالکیت است (صدر، ۱۴۲۹، ج ۳: ۳۸۷). در مرحله بعد از تولید، حوزه مبادله است که گاه از قالب واقعی خود خارج شده و ابزاری برای استثمار انسان می‌شود که می‌توان در این مورد به احتکار اشاره کرد. در مرحله بعد از مبادله، اسلام با تعیین کمی و کیفی مصرف (تحریم اسراف و تبذیر) به شکل‌گیری توازن در

عدالت ناظر بر فرآیند، به اهمیت کار و تلاش و تعلق نتیجه کار و تلاش هر کس به خود فرد تأکید دارد. در این مقوله دو قاعده بیان می‌شود. قاعده تبعیت نمو از اصل که بیان می‌نماید هر گونه رشد متصل و منفصل در طول فعالیت اقتصادی از آن کسی است که مال متعلق به اوست. قاعده عدل طبیعی به اینصورت بیان شده است که محصول تلاش هر کسی باید به خودش برگردد.

۳. نظریه‌های نتیجه‌محور و غایت‌گرا: این نظریه‌ها بیش از همه به بررسی نتیجه‌های حاصل‌شده و چگونگی سهم‌بری افراد پرداخته‌اند. از دیدگاه اقتصاد اسلامی هر بحث و تحلیلی در این حوزه انجام شود، در چارچوب نگرش حقوقی اسلام به اموال خواهد بود. بر اساس نگرش اسلامی مالکیت انسان بر اشیاء و اموال خودش مطلق نیست، بلکه در چهارچوب حدودی است که خداوند تعیین کرده است و بر این اساس بیان می‌شود که اموال و ثروت‌ها بایستی موجبات قوام و استواری جامعه (و فرد به‌عنوان یکی از اجزای جامعه) را فراهم سازد (عیوضلو، ۱۳۹۴: ۴۸-۳۹).

در نظام حقوقی اسلام، حقوق توزیع در مراحل مختلف تولید مورد توجه قرار گرفته است (صدر، ۱۳۸۷). بنابراین، عدالت توزیعی در نظریه‌های اسلامی باید به‌طور هم‌زمان تمام مراحل تولید را شامل شود.

سطح معیشت تأکید کرده است و برای عدالت اجتماعی بر جلوگیری از تجمل‌گرایی و اشرافیت طلبی تأکید می‌نماید (همان، ۱۴۲۹، جلد ۵: ۱۰۳-۱۰۶).

در کل نظریه‌های عدالت توزیعی به لحاظ تمرکز بر نتایج، فرآیندها و ... به سه گروه تقسیم می‌شوند.

۱. نظریه‌های منابع (مبدأ) محور: این دیدگاه‌ها بیش از همه به ویژگی برابری همگانی در بهره‌برداری یا بهره‌مندی از منابع و مواهب عمومی و همگانی و فراهم شدن امکانات و فرصت‌های برابر برای همه و برخورداری یکسان افراد از مزیت‌ها تأکید می‌کند. از دیدگاه اسلامی نیز این بحث مورد قبول است. شهید صدر نیز در کتاب اقتصادنا با سرفصل "توزیع اولیه" در کنار توزیع کارکردی و توزیع مجدد اهمیت این بحث را مورد توجه قرار داده است. از بررسی نظرات متفکران اسلامی می‌توان دریافت که در شرح موارد عدالت اجتماعی این جنبه از عدالت اقتصادی (به‌عنوان بخشی از عدالت اجتماعی) در نظر گرفته شده است.

۲. نظریه‌های فرآیند محور: در این نظریه‌ها توجه عمده به روشی است که افراد برای سلطه بر اموال به کار گرفته‌اند و معیار عدالت به کارگیری این قاعده است که محصول کار و فعالیت هر کس به خودش تعلق گیرد و افراد برای فعالیت‌های اقتصادی از آزادی برابر برخوردار باشند. نظریه اسلامی در باب

جدول ۱. پیشینه شاخص عدالت اقتصادی از منظر دیدگاه اسلامی به کار رفته در مطالعات داخلی

مطالعات	شاخص‌ها
توتونچیان و عیوضلو (۱۳۷۹)	۱- سهم‌بری بر اساس میزان مشارکت در فرآیند تولید ۲- حق برخورداری برابر ۳- توازن نسبی ثروت و درآمد ۴- قرار گرفتن اموال در موضع قوامی آن
پیل‌فروش (۱۳۸۴)	۱- نیاز ۲- کارآمدی ۳- مسئولیت فردی
عیوضلو (۱۳۸۶)	۱- شاخص رفاه آماریتاس ۲- شاخص توسعه انسانی ۳- شاخص عدم اتلاف
رجایی و معلمی (۱۳۹۰)	۱- برابری ۲- قیمت بازاری ۳- حد کفاف ۴- اعتدال عرفی ۵- بهره‌وری ۶- اسراف
رجایی (۱۳۹۲)	۱- شاخص نسبت خانواده‌ها در محدوده کفاف به کل خانواده‌ها ۲- شاخص نسبت سرپرستان خانواده دارای اشتغال با درآمد مکفی به کل سرپرستان ۳- شاخص نسبت اتفاقات به ظرفیت اتفاق جامعه
سیدنورانی و خاندوزی (۱۳۹۵)	۱- حق مالکیت مشروع (نقض مالکیت) ۲- حق مبادله مشروع (عدم تعهد به قراردادهای مبادلاتی) ۳- حق سهم‌بری عادلانه از تولید ۴- حق نیازمندان در اموال عمومی و خصوصی ۵- حق دسترسی عموم به منابع عمومی ۶- حق نسل‌های آتی از منابع بین نسلی ۷- حق استفاده بهینه از اموال
شاکری و همکاران (۱۳۹۸)	۱- شاخص فیزیکی کیفیت زندگی ۲- شاخص بهره‌مندی از امکانات اولیه رفاهی ۳- شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید ۴- شاخص توجه به حق نسل‌های آینده ۵- شاخص سهم‌بری عوامل تولید بر اساس استحقاق‌ها و میزان مشارکت ۶- شاخص بازتوزیع درآمد و ثروت ۷- شاخص توجه به بهبود وضعیت رفاهی جامعه (شاخص رفاه آماریتاس)

مأخذ: شاکری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳

جنبه اقتصادی عدالت بدین صورت تعریف می‌شود: «عدالت اقتصادی دادن حق به هر صاحب حقی در عرصه اقتصاد و توزیع منصفانه درآمد، امکانات و فرصت‌ها با در نظر گرفتن استحقاق‌های عوامل اقتصادی، قبل از تولید، در فرآیند تولید و پس از تولید است» (شاکری و همکاران، ۱۳۹۸: ۸-۹). در پژوهش حاضر نیز مطابق با پژوهش شاکری و همکاران (۱۳۹۸)، از شاخص‌های تعریف شده برای عدالت اقتصادی در آن پژوهش به تناوب و بر اساس داده‌های موجود و مدل‌های مورد استفاده در این پژوهش استفاده می‌شود.

در ایران مطالعات مختلفی در زمینه شاخص عدالت از دیدگاه اسلامی انجام شده که در جدول ۱ به طور مختصر به آنها اشاره می‌شود.

دین اسلام بر تحقق عدالت در همه ابعاد زندگی تأکید فراوانی دارد و می‌توان کارکرد نظام اسلام را برقراری عدالت به طور وسیع و جامع دانست. عدالت در قلمرو زندگی انسان به طور کلی در چارچوب درون‌نسلی و بین‌نسلی موضوعیت می‌یابد.

برای بررسی عدالت در چارچوب درون‌نسلی، دیدگاه شهید صدر در نظر گرفته می‌شود که قائل به این موضوع است که عدالت اسلامی در نظریه‌های تولید، مبادله و مصرف به عنوان مراحل چرخه فعالیت اقتصادی قابل ردیابی است (صدر، ۱۴۲۹ق: ۴۷۹).

در کنار عدالت درون‌نسلی لازم است حقوق نسل‌های آینده نیز در نظر گرفته شود. بنابراین، استفاده از منابع طبیعی در جریان تولید، مشروط به حفظ محیط‌زیست و رعایت قانون نسل‌های آینده است و هدف متعالی اسلام، برخوردار کردن همه نسل‌ها از نعمت‌های الهی است (شاکری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷-۱۴).

قبل از بحث در مورد رابطه بین عدالت و رشد لازم است در مورد اهمیت رشد و توسعه در اقتصاد اسلامی بحث شود. در ارتباط با اسلام به عنوان یک دین و دیدگاهش در مورد رشد و توسعه اقتصادی، می‌توان به آیات فراوانی اشاره کرد که به ارتباط بین اعمال انسان و میزان خیر و برکت اشاره دارند (۹۶ اعراف؛ ۷ ابراهیم؛ ۶۶ مائده). می‌توان تأکید کرد اعتقاد به تأثیر معنویات و پیش‌فرض‌های اسلامی در اقتصاد، هرگز به معنای نفی یا تضعیف نقش اسباب مادی نیست، بلکه مقصود این است که در کنار عوامل مادی همچون سرمایه، تکنولوژی و نیروی کار باید عوامل معنوی و پیش‌فرض‌های

اسلامی که نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتار اقتصادی دارند، مورد توجه قرار گیرد (زرانژاد و همکاران، ۱۳۹۸: ۹).

در مورد رابطه بین عدالت و رشد در ادبیات اقتصاد اسلامی نیز بحث‌های مختلفی ارائه شده است که در این بخش به صورت مختصر به برخی جوانب اشاره می‌شود. نگرش قرآن در قالب بحث توسعه عدالت محور است. در واقع، تمایز نگرش اسلامی با نظام سرمایه‌داری در تفاوت هدف از کاهش فقر است. در نگرش سرمایه‌داری نوعی نگاه ابزاری به انسان وجود دارد که کاهش فقر تنها به دلیل بهبود شرایط تولید و مصرف و عدم مواجهه با بحران اقتصادی پیگیری می‌شود. اما در نگرش اسلامی از بین بردن فقر با مسئله کرامت انسانی مرتبط است. از منظر قرآن تمامی انسان‌ها حق عمومی برای زندگی همراه با کرامت دارند. این کرامت انسانی تا آن اندازه مهم است که نباید هیچ فردی از جامعه اسلامی فقیر بماند. لذا باید از حق باز توزیع برای تأمین معیشت کرامت‌مندانه بهره جست (نظری، ۱۳۸۲: ۹۷-۹۶).

پیشرفت اقتصادی بدون عدالت اجتماعی در رفع محرومیت اثری ندارد و عدالت بدون پیشرفت نیز فاقد کارایی است؛ لذا تنها توسعه عدالت‌محور اثرگذار است (پارسائیان، ۱۴۰۰: ۱۱۱). در این زمینه متفکرین اقتصاد اسلامی نیز دیدگاه‌های مختلفی دارند که به طور مختصر اشاره می‌شود. در نگاه شهید صدر، مکتب اسلام با توجه به عدالت تلاش کرده است که در طراحی نظام عادلانه، اصلاح نظام تولید را به گونه‌ای در نظر بگیرد که نیازهای ضروری افراد جامعه تأمین گردد و از طرف دیگر با تحریم ونهی اسراف از تولید بیش از نیاز جلوگیری می‌شود و تولید میان دو حد در نظر گرفته می‌شود (صدر، ۱۴۲۹، ج ۳: ۷۷۰-۷۶۵). از دیدگاه وی گرچه یکی از اهداف اقتصادی، رشد اقتصادی و افزایش درآمد سرانه جامعه است، اما هدف نهایی نیست. رشد اقتصادی ابزاری برای رفاه عمومی آحاد جامعه است و لذا در چارچوب تفکر توزیعی معنادار است (صدر، ۱۳۷۵: ۴۵-۲۲). عدالت ارزش حاکم بر توسعه و چارچوب تحقق آن است؛ به صورتی که نتیجه عدالت، رشد و توسعه بیشتر تولید است (صدر، ۱۴۲۹، ج ۳: ۳۳۲).

اکرم خان^۱ اعتقاد دارد در اقتصاد اسلامی تأکید اصلی نه بر رشد بلکه بر عدالت توزیعی است. فریدی^۲ بیان کرد که توسعه باید توزیع مجدد منابع را در بر داشته باشد و راهبرد

1. Akram Khan

2. Faridi

بعضی از مطالعات مرتبط با موضوع پژوهش حاضر اشاره می‌شود.

۲-۳- مطالعات خارجی

احمد^۶ در مطالعه خود بیان می‌کند که آموزه‌های قرآن و سنت مبنای محکمی برای دستیابی به رشد عادلانه ارائه کرده و از طریق کاوش در این دو منبع می‌توان راهبردهایی برای دستیابی به رشد با رویکرد اسلامی به‌دست آورد. وی معتقد است که در اسلام حدی برای نرخ رشد تعیین نشده است و حذف فقر مطلق را اولویت اول در اهداف اجتماعی-اقتصادی به‌شمار آورده است (احمد، ۱۹۹۱: ۱).

زرقا^۷ ضمن تبیین برنامه‌های اسلامی توزیع، مواردی را که بیانگر توجه خاص اسلام به همراهی رشد و کارایی با عدالت توزیعی است را مورد تأکید قرار می‌دهد (زرقا، ۱۹۹۲: ۱).

آیار و ابک^۸ رابطه بین نابرابری فرصت‌ها، نابرابری درآمد و رشد اقتصادی را بررسی کردند. آنها برابری فرصت‌ها را با تحرک بین‌نسلی شناسایی کردند که درجه‌ای از همبستگی بین دستاوردهای والدین (درآمد و تحصیلات) و دستاوردهای کودکان است و چندین مقیاس قابل مقایسه بین‌المللی را برای تحرک بین‌نسلی استفاده کردند. نتایج نشان می‌دهد که حذف تحرک بین‌نسلی به تصریح غلط منجر می‌شود، بنابراین روشن می‌شود که چرا ادبیات تجربی بر نابرابری درآمد و رشد بدون نتیجه قطعی بوده است (آیار و ابک، ۲۰۲۰: ۱).

لی و وانگ در مطالعه خود طی دوره ۲۰۱۶-۲۰۰۶، رابطه بین عدالت اجتماعی و رشد اقتصادی را با استفاده از تحلیل مقایسه‌ای کشورهای G20 بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهد که مسیر رشد اقتصادی از "دوبرابر پایین"^۹، "پیشسازی عدالت"^{۱۰} به "دو برابر بالا"^{۱۱} توسعه می‌یابد. بنابراین، سیاست عمومی باید در خدمت ساختار متعادل‌تر از عدالت اجتماعی باشد (لی و وانگ، ۲۰۲۰: ۲).

بالسیلار و همکاران^{۱۲} رابطه بین نابرابری درآمد و رشد اقتصادی را با یک مدل نیمه‌پارامتریک برای ۶۳ کشور طی دوره زمانی ۲۰۱۷-۱۹۹۱ بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهد که رابطه بین نابرابری درآمد و رشد U-شکل معکوس است.

مورد انتظار تکیه بر مصرف، توزیع و توسعه است (یوسفی، ۱۳۷۸: ۱۵-۱۲). چپرا^۱ اعتقاد دارد که توسعه همراه با عدالت نیازمند استفاده کارا و عادلانه از همه منابع است و عدالت و کارایی بدون معنویت در تعقیب اهداف اقتصادی عملی نخواهد بود (چپرا، ۱۳۷۷: ۴۷). محمد عمر چپرا، احمد دنیا و ابراهیم العسل معتقدند که توسعه اقتصادی مورد تأیید دین در ذات خود عدالت را دارد. از این نظر، اگر با افزایش تولیدات جامعه سطح معیشتی شایسته برای آحاد افراد جامعه محقق نشود، از نظر دینی نمی‌توان نتیجه را پیشرفت و توسعه نامید (احمد، ۱۳۷۴: ۴۰-۳۳).

بنابراین، بررسی ادبیات موجود در حوزه اقتصاد اسلامی و ارزیابی دیدگاه اندیشمندان مسلمان نشان می‌دهد در این دیدگاه دستیابی به عدالت به‌عنوان هدفی والا برای فعالیت‌های انسان معرفی شده و عاملی در جهت رشد و توسعه جوامع بشری است. به‌همین دلیل، اقتصاددانان مسلمان دستیابی به رشد اقتصادی به هر قیمت را محکوم می‌نمایند. در واقع، افرادی که بحث درباره پدیده‌های رشد و توزیع را طرح کردند، رشد را در چارچوب عدالت تبیین می‌نمایند (بختیاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۸-۸۷).

در ادبیات متعارف اقتصادی، عدالت اجتماعی بخش مهم و غیرقابل جایگزین رشد اقتصادی جامعه است. بر پایه تئوری نئوکینزینی اصلاحات به‌هدف توزیع درآمد متوازن انجام می‌شود. برای رابطه عدالت اجتماعی و رشد اقتصادی اقتصاددانان و سیاست‌مداران بر دو بعد مهم تمرکز می‌کنند. یکی رفاه اجتماعی است و دومی نابرابری درآمد و ثروت است (بریانت^۲، ۲۰۱۵: ۱۵). در فرآیند ارزیابی نابرابری، نابرابری‌های اقتصاد محور توجه زیادی را جلب می‌کند (کریسی^۳، ۲۰۱۵: ۶۲۷). احتمال نابرابری درآمد، چالش مبادله بین رشد و نابرابری را نشان می‌دهد (باکارو و پنتاسون^۴، ۲۰۱۶: ۱۷۶). بنابراین، افزایش در میزان فعالیت اقتصادی همسویی عدالت را نیاز دارد (استری، برگ و سانگارادس^۵، ۲۰۱۴: ۴).

۲-۲- پیشینه تجربی

در مورد رابطه بین عدالت و رشد و شاخص‌های عدالت مطالعات زیادی انجام شده است که در ادامه به‌طور خلاصه به

6. Ahmad

7. Zarqa

8. Aiyar & Ebeke

9. Double low

10. Justice leadeing

11. Double high

12. Balcilar et al.

1. Chappra

2. Bryant

3. Kerrissey

4. Baccaro & Pontusson

5. Ostry, Berg & Tsangarides

بدین صورت که تا مقدار آستانه ۳۵/۹۲ ضریب جینی، نابرابری درآمد اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد و بعد از این مقدار اثر منفی بر رشد دارد (بالسیلار و همکاران، ۲۰۲۱: ۱).

۲-۴- مطالعات داخلی

یوسف خیل در مطالعه خود در پی پاسخ این سؤال بود که آیا اساساً برقراری عدالت در اجتماع با رشد و توسعه و مقتضیات آن سازگار است؟ نویسنده بیان کرد که در نظام اقتصاد اسلامی، اهدافی برتر از رشد و توسعه مادی در زندگی و فعالیت‌های انسانی مدنظر قرار می‌گیرد. در این دیدگاه رشد و توسعه هدف نیست بلکه وسیله‌ای در راستای شکوفایی استعدادهای عالی انسانی است (یوسف خیل، ۱۳۷۵: ۱).

مصباحی مقدم در مطالعه خود دو دسته مفهوم نزدیک به معنای توسعه را استخراج کرده است. دسته اول، عوامل لازم برای توسعه هستند؛ مانند احیای زمین و دسته دوم، آثار توسعه مانند رفاه و توزیع عادلانه ثروت هستند (مصباحی مقدم، ۱۳۸۳: ۱).

بخشی دستجردی به بررسی اثر عدالت بین زمانی بر رشد اقتصادی با تأکید بر نقش ارجحیت زمانی در ایران پرداخت. نتایج تجربی حاکی از اثر مثبت توجه به عدالت بین زمانی بر رشد اقتصادی است (بخشی دستجردی، ۱۳۹۳: ۱۹).

زراءنژاد، خداپناه و کامران‌پور به بررسی تأثیر شاخص‌های اقتصاد اسلامی بر متغیر رشد اقتصادی ایران با روش شبیه‌سازی پویا پرداختند. نتایج تک‌معادلات و همچنین آزمون قدرت شبیه‌سازی مدل کلان تصریح‌شده حاکی از تأثیرگذاری مثبت شاخص‌های اسلامی بر متغیر رشد اقتصادی ایران است (زراءنژاد، خداپناه و کامران‌پور، ۱۳۹۸: ۵).

شاگری و همکاران به ارائه و سنجش شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکرد اسلامی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که توزیع منصفانه منابع، فرصت‌ها و امکانات بر اساس شایستگی‌ها، توجه به حق منابع و عوامل تولید، توجه به حق نسل‌های آینده، سهم‌بری عوامل تولید بر اساس استحقاق‌ها و میزان مشارکت، بازتوزیع درآمد و ثروت و توجه به بهبود وضع رفاه جامعه از مهم‌ترین مؤلفه‌های شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکرد اسلامی هستند. همچنین، رابطه مثبت میان شاخص فیزیکی کیفیت زندگی، میزان بهره‌مندی از امکانات رفاهی، میزان بهره‌وری کل عوامل تولید، شاخص رفاه آماریاسن، نسبت سهم جبران خدمات کارکنان در حساب‌های ملی به تولید ناخالص داخلی و سنجه نسبت سرمایه‌گذاری در بخش تأسیسات و تجهیزات زیربنایی

به برداشت منابع طبیعی با روند عدالت اقتصادی برقرار است (شاگری و همکاران، ۱۳۹۸: ۹).

رعایائی و داوودآبادی فراهانی، در مطالعه خود بررسی کردند که برقراری عدالت (توزیعی) در حکمرانی اقتصادی چه مؤلفه‌هایی دارد. نتایج نشان می‌دهد که در حکمرانی اقتصادی بر اساس قاعده عدالت، لازم است فرصت‌های اقتصادی، آموزشی، درآمدها، امکانات و مواهب عمومی و نیز اطلاعات به‌صورت عادلانه در جامعه توزیع شود؛ به‌طوری‌که ضمن برخورداری همه افراد از حداقل‌ها، زمینه بهره‌برداری بیشتر از این فرصت‌ها و ثروت‌ها برای همگان مساوی باشد (رعایائی و داوودآبادی فراهانی، ۱۴۰۰: ۱۰۷).

پارسائیان در مطالعه خود به بررسی مفهوم توسعه و عدالت اقتصادی در قرآن کریم پرداخت و نتیجه گرفت که این دو مفهوم انطباق زیادی با یکدیگر دارد و می‌توان بیان کرد که توسعه‌یافتگی همان راهیابی به‌سوی عدالت اجتماعی است. عدالت و توسعه، هر دو هدف نهایی اقتصاد اسلامی و زمینه‌ساز یکدیگر هستند و بدون هم کارایی ندارند (پارسائیان، ۱۴۰۰: ۹۹).

با توجه به مطالعات بیان‌شده در بالا، اگرچه مطالعاتی در مورد عدالت بین زمانی و یا شاخص‌های عدالت اقتصادی در ایران انجام شده است. اما، تاکنون مطالعه‌ای که اثر شاخص‌های مختلف عدالت بر رشد اقتصادی را بررسی کند، در ایران انجام نشده است. در مطالعه حاضر در کنار سایر متغیرهای اثرگذار بر رشد اقتصادی، به بررسی اثر عدالت اقتصادی و اجتماعی بر رشد اقتصادی در ایران در دو مدل پرداخته می‌شود و برای عدالت اقتصادی از دیدگاه اقتصاد اسلامی، شاخص‌های مختلفی برای عدالت قبل از تولید، فرآیندی و پس از تولید در نظر گرفته شده می‌شود.

۳- روش‌شناسی پژوهش

۳-۱- روش خودتوضیح برداری با وقفه‌های گسترده^۱

در این روش تخمین‌زن‌ها شامل وقفه متغیرهای وابسته، متغیرهای توضیحی و وقفه‌های متغیرهای توضیحی هستند. به‌طور کلی الگوی پویا الگویی است که در آن وقفه‌های متغیرها نیز به‌صورت رابطه یک وارد شوند.

$$Y_t = \alpha X_t + \beta X_{t-1} + \delta Y_{t-1} + u_t \quad (1)$$

1. Autoregressive Distributed Lag Method

$$y_t = B_0 + \hat{B}_1 X_t + u_t \quad t = 1, \dots, n \quad (۶)$$

به طوری که y متغیر $I(1)$ و X بردار $K.1$ از متغیرهای توضیحی $I(1)$ است که فرض می‌شود رابطه هم‌انباشتگی بین آن‌ها وجود ندارد. همچنین فرض می‌شود X از فرآیند تفاضل پایا به صورت زیر پیروی می‌کند.

$$\Delta x_t = \mu + v_t \quad (۷)$$

μ یک بردار $K.1$ از پارامترهای رانش (Drift) و v یک بردار $K.1$ از جملات $I(0)$ است. در این حالت حتی اگر ارتباط هم‌زمان بین X و U وجود داشته باشند، تخمین‌زننده ضرایب از طریق روش OLS سازگارند. لیکن به طور عمومی توزیع مجانبی برآوردگر OLS غیر استاندارد است و انجام استنباط آماری را برای ضرایب با آماره t معمول، غیرمعتبر خواهد کرد. برای فائق شدن بر این مسئله شایسته آن است که ارتباط بین u و v مقادیر با وقفه آنها لحاظ شود. روش حداقل مربعات کاملاً اصلاح شده این همبستگی را در یک شیوه شبه پارامتریک به حساب می‌آورد (تشکینی، ۱۳۹۳: ۱۲۵-۱۲۴).

۳-۳- تصریح مدل

در مطالعه حاضر، برای بررسی رابطه بین عدالت و رشد اقتصادی، در کنار شاخص‌های مختلف در نظر گرفته شده برای عدالت اقتصادی و اجتماعی، همانند مطالعه آیار و ابک (۲۰۲۰)، متغیرهای شاخص بازبودن تجارت، نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی و شاخص سرمایه انسانی به عنوان سایر متغیرهای اثرگذار بر رشد در نظر گرفته شدند و در دو مدل با توجه به داده در دسترس رابطه بین عدالت و رشد تخمین زده شد.

در مطالعه حاضر شاخص فیزیکی کیفیت زندگی^۶ به عنوان شاخص عدالت قبل از تولید در نظر گرفته می‌شود که مبتنی بر امید به زندگی در پایان یک سالگی، نرخ مرگ و میر کودکان و نرخ باسوادی است (موریس^۷، ۱۹۸۰). نرخ باسوادی، به صورت نسبت افراد با سواد بالای شش سال تقسیم بر جمعیت بالای شش سال (به درصد) محاسبه می‌شود. داده مرتبط با این متغیر از بانک اطلاعات سری زمانی اقتصادی بانک مرکزی و پایگاه داده مرکز آمار ایران جمع‌آوری می‌شود. نرخ مرگ‌ومیر کودکان (در بدو تولد)، به صورت $(۶۲۵/۱۰) \times$ (نرخ مرگ‌ومیر نوزادان از هر ۱۰۰۰ تولد-۱۶۶)، شاخص‌سازی

البته بهتر است برای کاهش تورش مربوط به برآورد ضرایب الگو در نمونه‌های کوچک تا حد امکان الگویی به کار گرفته شود که تعداد وقفه‌های زیادی برای متغیرها مانند رابطه ۲ در نظر بگیرد.

$$\Phi(L, P)Y_t = \sum_{i=1}^k b_i(L, q_i)X_{it} + cW_t + u_t \quad (۲)$$

رابطه ۲ الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) است، که در آن داریم.

$$\phi(L, P) = 1 - \phi_1 L - \phi_2 L^2 - \dots - \phi_p L^p \quad (۳)$$

$$b_i(L, q_i) = b_{i0} + b_{i1}L + \dots + b_{iq}L^q, i = 1, 2, \dots, K \quad (۴)$$

L عملگر وقفه، W برداری از متغیرهای ثابت مثل عرض از مبدا، متغیرهای مجازی، روند زمانی و یا متغیرهای برون‌زا با وقفه ثابت است. نرم‌افزار معادله را برای تمام حالات و برای کلیه ترتیبات ممکن مقادیر یعنی به تعداد $(m+1)^{k+1}$ بار برآورد می‌کند. m حداکثر وقفه است که توسط محقق تعیین می‌شود و k نیز تعداد متغیرهای توضیحی است. در مرحله بعد با استفاده از یکی از معیارهای آکایک^۱، شوارز-بیزین^۲، حنان کوپین^۳ یا ضریب تعیین تعدیل‌شده^۴ یکی از معادلات انتخاب می‌شود. معمولاً در نمونه‌های زیر ۱۰۰ از معیار شوارز-بیزین استفاده می‌شود تا درجه آزادی زیادی از دست نرود.

برای محاسبه ضرایب بلندمدت مدل از همان مدل پویا استفاده می‌شود. ضرایب بلندمدت مربوط به متغیرهای X از رابطه ۵ به دست می‌آیند (تشکینی، ۱۳۹۳: ۱۳۳-۱۳۲).

$$\theta_i = \frac{\hat{b}_i(l, q_i)}{1 - \hat{\phi}(l, p)} = \frac{\hat{b}_{i0} + \hat{b}_{i1} + \dots + \hat{b}_{iq}}{1 - \hat{\phi}_1 - \dots - \hat{\phi}_p}, i = 1, 2, \dots, k \quad (۵)$$

۳-۲- روش حداقل مربعات کاملاً اصلاح‌شده^۵ (FMOLS)

به طور کلی روش FM-OLS دو تصحیح روی روش OLS اعمال می‌کند که عبارتند از: ۱. تصحیح تورش ۲. تصحیح درون‌زایی. روش FMOLS امکان تخمین پارامترهای یک معادله هم‌انباشتگی را فراهم می‌کند. مدل رگرسیون خطی به صورت رابطه ۶ مفروض است.

6. Physical quality-of-life index
7. Morris

1. Akaike
2. Schwarz Bayesian
3. Hannan-Quinn
4. R-Bar Squared
5. Fully-Modified Ordinary Least Square

می‌شود. امید به زندگی که به صورت $(۴۲/۷) \times ۱۰۰$ -امید به زندگی) شاخص‌سازی می‌شود. داده مرتبط با هر دو متغیر از پایگاه داده بانک جهانی^۱ جمع‌آوری شده است. هر کدام از عناصر شاخص فیزیکی کیفیت زندگی با شاخص‌بندی بر اساس مقیاس ۰ تا ۱۰۰ رتبه‌بندی می‌شود.

(۸)

شاخص فیزیکی کیفیت زندگی

$$+ \text{نرخ مرگ و میر کودکان} + \text{امید به زندگی} = \frac{3}{3}$$

برای شاخص عدالت پس از تولید از شاخص توجه به بهبود وضعیت رفاه جامعه استفاده می‌شود. عدالت و رفاه همیشه مورد توجه اقتصاددانان بوده است و در تعالیم اسلامی نیز نیل به عدالت و رفاه در کنار هم، از نیازمندی‌های همه افراد به‌شمار می‌رود و جامعه دارای رفاه به‌عنوان نتیجه عدالت معرفی می‌شود. در آیات و روایات نیز توسعه و گشایش در زندگی مردم، چند برابر شدن برکات و آبادانی کشورها که زمینه‌ساز برقراری رفاه در جامعه است، در گرو برقراری عدالت است (شاکری و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴). در ادبیات مربوط به رفاه اجتماعی، معیارهای متنوعی مطرح شده است که تابع رفاه آمارتیا سن به‌دلیل مبانی نظری قوی از اهمیت زیادی برخوردار است و در مطالعه حاضر نیز از این شاخص استفاده می‌شود. آمارتیا سن تابع رفاه را به‌صورت تابعی از مطلوبیت افراد تعریف می‌نماید که ناشی از موقعیت‌های اجتماعی اشخاص است و به‌صورت $w = \mu(1-G)$ معرفی می‌شود (همان: ۲۶). در این رابطه μ بیانگر درآمد سرانه واقعی و G معرف ضریب جینی است و $(1-G)$ نشانگر بهبود توزیع درآمد است و μG نشان‌دهنده هزینه نابرابری است (لابرانو^۲، ۲۰۱۷: ۵).

بنابراین، در پژوهش حاضر در مدل اول رابطه بین عدالت و رشد به‌صورت زیر تعریف می‌شود.

$$\lgdp = \beta_0 + \beta_1 inv + \beta_2 tr + \beta_3 fg + \beta_4 hc + \beta_5 pqindex + \beta_6 w + \varepsilon_t \quad (9)$$

که در آن $\lgdp$ ، لگاریتم تولید ناخالص داخلی به میلیارد ریال به‌قیمت ثابت سال ۸۳ است که به‌عنوان متغیر رشد اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. inv ، متغیر سرمایه‌گذاری است که به‌صورت سرمایه ثابت ناخالص به تولید ناخالص

داخلی (هر دو به میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۸۳) ضربدر صد در نظر گرفته می‌شود. tr ، شاخص باز بودن تجارت که به‌صورت صادرات منهای صادرات نفت و گاز به‌علاوه واردات به تولید ناخالص داخلی (هر دو به میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۸۳) ضربدر ۱۰۰ محاسبه می‌شود. داده‌ها از بانک مرکزی حساب‌های ملی جمع‌آوری شده است. متغیر fg ، به‌عنوان شاخص حق نسل‌های آینده (عدالت فرآیند تولید) به‌عنوان شاخص عدالت بین نسلی است که در مطالعه حاضر به‌صورت تملک دارایی سرمایه‌ای (هزینه عمرانی) تقسیم بر صادرات نفت و گاز (هر دو به میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۸۳) ضربدر صد در نظر گرفته می‌شود. داده تملک دارایی سرمایه‌ای از بانک اطلاعات سری زمانی اقتصادی بانک مرکزی و صادرات نفت و گاز از بانک مرکزی حساب‌های ملی جمع‌آوری می‌شود. hc ، شاخص سرمایه انسانی که به‌عنوان شاخصی برای نیروی کار در این مطالعه استفاده می‌شود. داده مرتبط با این متغیر از پایگاه داده اقتصادی FRED^۳ جمع‌آوری شده و از مقاله فینسترا، اینکلار و مارسل^۴ (۲۰۱۵) اخذ شده است. $pqindex$ ، شاخص فیزیکی کیفیت زندگی (شاخص عدالت قبل از تولید) است که در مورد نحوه محاسبه و متغیرهای مورد استفاده در سطور بالا به‌صورت کامل توضیح داده شده است. w ، شاخص رفاه آمارتیا سن (شاخص عدالت بعد از تولید) است که به‌صورت درآمد سرانه (به میلیون ریال به قیمت ثابت سال ۸۳) ضربدر (یک منهای ضریب جینی) محاسبه می‌شود. داده مربوط به درآمد سرانه از بانک مرکزی حساب‌های ملی و داده مربوط به ضریب جینی از بانک اطلاعات سری زمانی اقتصادی بانک مرکزی جمع‌آوری شده است. با توجه به اینکه همه داده‌ها به جز داده تولید ناخالص داخلی نرخ هستند، برای تخمین مدل، تولید ناخالص داخلی لگاریتم‌گیری می‌شود. دوره زمانی برای مدل اول ۹۸-۱۳۵۷ است.

در برآورد مدل دوم، برای در نظر گرفتن عدالت اجتماعی در کنار عدالت اقتصادی با توجه به محدودیت داده و اینکه برای دو متغیر نرخ بهره‌وری و شاخص آزادسازی اقتصادی از سال ۱۳۷۵ داده وجود دارد، دوره زمانی ۹۸-۱۳۷۵ در نظر گرفته می‌شود.

بنابراین در پژوهش حاضر در مدل دوم، رابطه بین عدالت (اقتصادی و اجتماعی) و رشد به‌صورت رابطه زیر تعریف

3. Federal Reserve Bank of St. Louis
4. Feenstra, Inklaar & Marcel

1. World Bank Open Data
2. Lubrano

می‌شود.

$$lgdp = \alpha_0 + \alpha_1 efi + \alpha_2 inv + \alpha_3 pqindex + \alpha_4 hc + \alpha_5 tp + \alpha_6 w + \varepsilon_t \quad (10)$$

که efi ، شاخص آزادسازی اقتصادی^۱ است که مطابق با مطالعه لی و وانگ (۲۰۲۰) برای شاخص عدالت اجتماعی در نظر گرفته شده است. محدوده این شاخص بین صفر تا صد است و صفر کمترین آزادسازی اقتصادی و صد بیشترین آزادسازی اقتصادی را شامل می‌شود. داده برای این شاخص از موسسه هرتیج^۲ جمع‌آوری شده است. tp ، شاخص عدالت فرآیند تولید به‌عنوان شاخص عدالت درون‌نسلی است که برای آن، بهره‌وری کل عوامل تولید (به‌قیمت ثابت سال ۸۳) در نظر گرفته می‌شود. داده برای این شاخص از بانک مرکزی، حساب‌های ملی ایران، شاخص‌های بهره‌وری جمع‌آوری می‌شود. با توجه به اینکه در متغیر efi شاخص باز بودن تجارت در نظر گرفته شده است، در مدل دوم شاخص باز بودن تجارت حذف می‌شود.

۴- یافته‌های پژوهش

قبل از برآورد مدل لازم است که آزمون پایایی متغیرها انجام شود. نتایج آزمون پایایی متغیرها برای مدل اول و دوم در جداول ۲ و ۳ ارائه شده است. با توجه به اینکه مدل اول طی دوره ۹۸-۱۳۵۷ برآورد می‌شود، برای بررسی پایایی متغیرها، لازم است، شکست ساختاری نیز در مدل در نظر گرفته شود. بنابراین از آزمون زیووت اندریوز^۳ برای بررسی پایایی متغیرها استفاده می‌شود. برای مدل دوم با توجه به اینکه طی دوره ۹۸-۱۳۷۵ برآورد می‌شود و دوره زمانی کوتاه‌تر است، از آزمون دیکی فولر تعمیم‌یافته^۴ (ADF) استفاده می‌شود.

با توجه به نتایج در جدول دو متغیر شاخص فیزیکی کیفیت زندگی به‌عنوان متغیر عدالت قبل از تولید در معادله روند و متغیر عدالت بعد از تولید (شاخص آمارتیاسن) در معادله عرض‌ازمبدأ و معادله روند پایا از سطح صفر هستند. سایر متغیرهای پایا از سطح یک هستند. بنابراین، برای مدل اول با توجه به اینکه بعضی متغیرها $I(0)$ و بعضی $I(1)$ هستند، از مدل خودتوضیح برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL)

استفاده می‌شود. وقفه بهینه برای مدل، یک در نظر گرفته می‌شود.

با توجه به نتایج در جدول ۳، همه متغیرها پایا از سطح یک هستند.

۴-۱- مدل اول

قبل از بحث در مورد نتایج مدل ARDL، لازم است که وجود رابطه بلندمدت بررسی شود. برای این منظور از مدل ارائه شده توسط پسران، شین و اسمیت^۵ (۲۰۰۱)، استفاده شده است. در این رویکرد رابطه بلندمدت بین متغیرها به وسیله محاسبه آماره F برای آزمون معناداری سطوح باوقفه متغیرها در فرم تصحیح خطا مورد آزمایش قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است توزیع F مذکور غیر استاندارد است. مقادیر بحرانی مناسب بر اساس اینکه تمامی متغیرها پایا باشند و دیگری بر این اساس که همگی ناپایا هستند، محاسبه شده است. اگر آماره F محاسباتی فراتر از محدوده بالایی قرار گیرد، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت رد شده و اگر پایین‌تر از محدوده پایینی قرار گیرد، فرضیه صفر پذیرفته می‌شود (تشکینی، ۱۳۹۳: ۱۳۴). برای پژوهش حاضر مدل دارای عرض از مبدأ است و مدل دارای متغیرهای $I(0)$ و $I(1)$ است، لذا هم مقدار بحرانی حد بالا و هم مقدار بحرانی حد پایین مبنی بر قرار می‌گیرد. آماره F محاسباتی برای وجود هم‌انباشتگی بلندمدت ۴/۶ است. در حالی که حد بحرانی بالا (زمانی که همه متغیرها $I(1)$ هستند) در سطح ۹۹٪ برابر با ۳/۹۹ است. لذا، فرضیه صفر رد می‌شود و هم‌انباشتگی بلندمدت بین متغیرهای مورد بررسی و رشد اقتصادی وجود دارد.

نتایج تخمین پویا (کوتاه‌مدت) ARDL با وقفه یک برای مدل در جدول ۴ ارائه شده است.

1. Index of Economic Freedom
2. Heritage Foundation
3. Zivot-Andrews Test
4. Augmented Dickey Fuller

جدول ۲. نتایج آزمون ریشه واحد و شکست ساختاری برای مدل اول

متغیر	سال شکست	t_c	سال شکست	t_t	سال شکست	$t_{c\&t}$	lag
lgdp	۱۳۶۵	-۳/۱۲	۱۳۶۶	-۳/۰۴	۱۳۶۵	-۳/۱۴	۲
inv	۱۳۸۰	-۳/۸۶	۱۳۹۱	-۳/۰۶	۱۳۸۰	-۳/۸	۰
W	۱۳۸۲	-۵/۷۱	۱۳۹۱	-۴/۶	۱۳۸۲	-۴/۷	۰
Fg	۱۳۸۱	-۳/۶۵	۱۳۹۱	-۳/۰۵	۱۳۹۱	-۲/۷	۲
pqinde x	۱۳۶۴	-۴	۱۳۷۰	-۵/۵	۱۳۶۹	-۴/۵	۱
tr	۱۳۸۰	-۳/۷۶	۱۳۶۴	-۳/۰۱	۱۳۸۰	-۳/۵	۰
hc	۱۳۸۰	-۳/۳	۱۳۷۵	-۳	۱۳۷۴	-۲/۸	۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش

آماره بحرانی در سطح ۹۵٪ برای معادله تغییر در عرض از مبدأ (t_c) برابر با ۴/۸-، برای معادله تغییر در روند (t_t) برابر با ۴/۴۲- و برای معادله تغییر در عرض از مبدأ و روند ($t_{c\&t}$) برابر با ۵/۰۸- است.

جدول ۳. نتایج آزمون ریشه واحد برای مدل دوم

متغیر	تعداد تفاضل‌گیری	وقفه بهینه	آماره آزمون	آماره بحرانی در سطح ۹۵٪	نتیجه
lgdp	۱	۰	-۲/۶۷	-۱/۹۶	I(1)
efi	۱	۰	-۵/۳۱	-۱/۹۶	I(1)
Inv	۱	۰	-۳/۵۹	-۱/۹۶	I(1)
Pqindex	۱	۰	-۳/۹	-۱/۹۶	I(1)
tp	۱	۰	-۴/۰۷	-۱/۹۶	I(1)
w	۱	۰	-۳/۳	-۱/۹۶	I(1)
hc	۱	۰	-۵/۵	-۱/۹۶	I(1)

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۴. نتایج تخمین پویا (کوتاه‌مدت) به روش ARDL

متغیر	ضریب	آماره t	خطا	معناداری
lgdp(-1)	۰/۳	۱/۹	۰/۰۷	معنادار در سطح ۹۰٪
Inv	-۰/۰۰۳	-۱/۷	۰/۱	معنادار در سطح ۹۰٪
inv(-1)	۰/۰۰۳	۱/۷۳	۰/۰۹	معنادار در سطح ۹۰٪
Fg	-۰/۰۰۱	-۲/۴	۰/۰۲	معنادار
Hc	۳/۶	۳/۵	۰/۰۰۲	معنادار
hc(-1)	-۳/۵	-۳/۳	۰/۰۰۳	معنادار
Pqindex	-۰/۰۰۳	-۳	۰/۰۰۶	معنادار
pqindex(-1)	۰/۰۳۳	۳/۴	۰/۰۰۲	معنادار
W	۰/۰۷	۱۱/۱	۰/۰۰	معنادار
w(-1)	-۰/۰۰۲	-۲/۱	۰/۰۵	معنادار
tr	۰/۰۰۳	۲/۲	۰/۰۳	معنادار
tr(-1)	-۰/۰۰۲	-۱/۶	۰/۱۱	بی‌معنا
C	۸/۸	۴/۵	۰/۰۰	معنادار
R ² =۰/۹۹ DW=۲/۱ F=۸۱۹/۰۳ (۰/۰۰۰)				

FA: Serial Correlation=۳ (۰/۱)

FB: Functional Form= ۱/۵ (۰/۱۴)

FC: Normality=۰/۵ (۰/۸)

FD: Heteroskedasticity= ۰/۸ (۰/۶)

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در دوره اول و با یک دوره وقفه اثر منفی و معنادار بر لگاریتم تولید ناخالص داخلی دارد. می‌توان گفت که بهبود سرمایه انسانی در صورت تداوم می‌تواند باعث افزایش رشد اقتصادی شود. یک واحد افزایش در شاخص سرمایه انسانی، تولید ناخالص داخلی را در دوره اول $3/6$ درصد افزایش و با یک دوره وقفه $3/5$ درصد کاهش می‌دهد. شاخص فیزیکی کیفیت زندگی به‌عنوان شاخصی برای عدالت قبل از تولید در کوتاه‌مدت در دوره اول اثر منفی و معنادار و با یک دوره وقفه اثر مثبت و معنادار بر لگاریتم تولید ناخالص داخلی دارد. ۱ واحد افزایش شاخص فیزیکی کیفیت زندگی، تولید ناخالص داخلی را در دوره اول $0/3$ درصد کاهش و با یک دوره وقفه $0/32$ درصد افزایش می‌دهد.

شاخص رفاه آماریتاسن، به‌عنوان شاخص عدالت بعد از تولید، در دوره اول اثر مثبت و معنادار و با یک دوره وقفه اثر منفی و معنادار بر تولید ناخالص داخلی دارد. در کل، اثرش بر لگاریتم تولید ناخالص داخلی افزایشی است. یک واحد افزایش در شاخص رفاه آماریتاسن، لگاریتم تولید ناخالص داخلی را در دوره اول $0/7$ درصد افزایش و در دوره دوم $0/2$ درصد کاهش می‌دهد. شاخص باز بودن تجارت در دوره اول اثر مثبت و معنادار و با یک دوره وقفه اثر منفی و بی‌معنا بر لگاریتم تولید ناخالص داخلی دارد. بنابراین برقراری تجارت آزاد در کنار حفظ عدالت می‌تواند باعث افزایش رشد اقتصادی شود. این مورد با نتیجه آیار و ابک (۲۰۲۰)، مطابقت دارد. ۱ واحد افزایش در شاخص باز بودن تجارت در کوتاه‌مدت، تولید ناخالص داخلی را در دوره اول $0/3$ درصد افزایش می‌دهد. بعد از بحث درباره نتایج کوتاه‌مدت در جدول ۵، نتایج بلندمدت مدل اول ارائه شده است.

قبل از بحث در مورد نتایج کوتاه‌مدت لازم است در مورد نتایج آزمون‌های آسیب‌شناسی بحث شود. براساس نتایج ارائه شده در جدول ۴، خودهمبستگی بین جملات اخلاص وجود ندارد. فرم تبی مدل صحیح است. نرمال بودن جملات پسماند تأیید می‌شود و واریانس ناهمسانی نیز رد می‌شود. بنابراین، مدل به‌طور صحیح برآورد شده است. آماره دوربین-واتسون $2/1$ است که نشان‌دهنده عدم وجود خودهمبستگی بین جملات اخلاص در برآورد مدل است و آماره F معناداری کل مدل در سطح 95% معنادار است و قابلیت اطمینان نتایج برای مدل تأیید می‌شود.

بر اساس نتایج، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به gdp در دوره اول اثر منفی و معنادار و با یک دوره وقفه اثر مثبت و معنادار هر دو در سطح 90% بر لگاریتم تولید ناخالص داخلی دارد. اثر در دو دوره تقریباً یکسان است و همدیگر را خنثی می‌کند. می‌توان بیان کرد که سرمایه‌گذاری با بهره‌وری و بهبود تکنولوژی همراه نیست و در نتیجه، اثر مثبتی بر تولید ناخالص داخلی ندارد. یک واحد افزایش در سرمایه‌گذاری تولید ناخالص داخلی را در دوره اول $0/3$ درصد کاهش و پس از یک دوره وقفه $0/3$ درصد افزایش می‌دهد. نسبت سرمایه‌گذاری زیربنایی به صادرات نفت و گاز (توجه به حق نسل‌های آینده) اثر منفی و معنادار و البته کوچک بر لگاریتم تولید ناخالص داخلی دارد. می‌توان بیان کرد که صادرات نفت و گاز در حال حاضر بیشتر صرف مخارج جاری دولت می‌شود تا صرف سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی شود و نسل‌های آینده مد نظر قرار نمی‌گیرد. بنابراین باعث افزایش رشد اقتصادی نمی‌شود. یک واحد افزایش در توجه به حق نسل‌های آینده، $0/01$ درصد تولید ناخالص داخلی را کاهش می‌دهد.

شاخص سرمایه انسانی در کوتاه‌مدت، اثر مثبت و معنادار

جدول ۵. نتایج تخمین بلندمدت برای مدل اول

متغیر	ضریب	آماره t	خطا	معناداری
Inv	-0/01	-0/45	0/7	بی‌معنا
Fg	-0/02	-2/1	0/05	معنادار
Hc	0/2	2/7	0/1	معنادار
Pqinde _x	0/04	2/7	0/1	معنادار
W	0/7	10	0/00	معنادار
tr	0/01	0/9	0/4	بی‌معنا
C	12/5	9/1	0/00	معنادار
CointE _{q(-1)}	-0/72	-6/54	0/00	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

هم‌انباشتگی انگل-گرنجر^۱ تأیید نشد، از روش حداقل مربعات کاملاً اصلاح شده (FMOLS)، استفاده می‌شود. لازم به ذکر است که با توجه به اینکه طول دوره زمانی ۲۴ سال است و تعداد متغیر مستقل ۶ متغیر و زیاد بود. با توجه به اینکه دو متغیر شاخص فیزیکی کیفیت زندگی (pqindex) و بهره‌وری (tp)، تصریح مدل را دچار مشکل می‌کردند از مدل حذف شدند. همچنین از هم‌انباشتگی انگل-گرنجر استفاده شد که پس از تخمین رگرسیون از روش حداقل مربعات معمولی آزمون پایایی پسماند بر اساس آزمون دیکی‌فولر تعمیم‌یافته انجام شد که آماره آن برابر با $-3/1$ به دست آمد و آماره بحرانی در سطح $95\% -3/67$ است. بنابراین، هم‌انباشتگی بلندمدت تأیید نمی‌شود و می‌توان از روش FMOLS استفاده کرد. در جدول ۶ نتایج تخمین روش FMOLS برای مدل دوم ارائه شده است.

بر اساس نتایج نمودارهای پسماند تجمعی و پسماند تجمعی مجذور فاصله اطمینان ۹۵ درصد توسط نمودارها قطع نشده است و بر اساس هر دو آماره ثبات ساختاری وجود دارد. براساس نتایج در جدول ۶ آماره جاک برا کوچک و خطای آن بزرگ‌تر از $0/05$ است و بنابراین نرمال بودن جملات پسماند تأیید می‌شود.

شاخص آزادسازی اقتصادی اثر مثبت و معنادار بر لگاریتم تولید ناخالص داخلی دارد. این مورد با نتیجه دسیا و همکاران (دسیا و همکاران^۲، ۲۰۱۹)، مطابقت دارد. بنابراین، هرچقدر آزادی اقتصادی افزایش یابد، رشد اقتصادی نیز به همراه آن بهبود می‌یابد. یک واحد افزایش در شاخص آزادسازی اقتصادی، $0/005$ درصد تولید ناخالص داخلی را افزایش می‌دهد. نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به gdp اثر مثبت و معنادار بر لگاریتم تولید ناخالص داخلی دارد. این نتیجه با نتیجه آیار و ابک (۲۰۲۰)، مطابقت دارد. بنابراین، با ایجاد زیرساخت‌های لازم و تسهیل شرایط سرمایه‌گذاری می‌توان شاهد بهبود شرایط اقتصادی و بهبود رشد اقتصادی بود که این مورد می‌تواند به ارتقاء در رشد و توسعه پایدار کمک زیادی کند. یک واحد افزایش در سرمایه‌گذاری، تولید ناخالص داخلی را $0/005$ درصد افزایش می‌دهد. شاخص سرمایه انسانی اثر مثبت و معنادار بر لگاریتم تولید ناخالص داخلی دارد که این نتیجه هم‌سو با مدل اول است. یک واحد افزایش در شاخص سرمایه انسانی، تولید ناخالص داخلی را

نتایج در جدول ۵ نشان می‌دهد که در بلندمدت سرمایه‌گذاری اثر منفی و بی‌معنا بر لگاریتم تولید ناخالص داخلی دارد. با توجه به نتایج کوتاه‌مدت می‌توان گفت که سرمایه‌گذاری در ایران با در نظر گرفتن روند آن در طی دوره بلندمدت به دلیل کارا و بهره‌ور نبودن سرمایه‌گذاری اثر مثبتی بر رشد اقتصادی ندارد. شاخص حق نسل‌های آینده در بلندمدت نیز همانند کوتاه‌مدت اثر منفی و معنادار بر رشد اقتصادی دارد. می‌توان بیان کرد که اختصاص درآمد حاصل از منابع به نسل‌های مختلف عادلانه نیست و بیشتر منافع کوتاه‌مدت جامعه در نظر گرفته می‌شود تا بلندمدت و لازم است در این مورد تجدید نظر شود. یک واحد افزایش در شاخص حق نسل‌های آینده، تولید ناخالص داخلی را $0/002$ درصد کاهش می‌دهد. شاخص سرمایه انسانی اثر مثبت و معنادار بر لگاریتم تولید ناخالص داخلی دارد. بنابراین، آموزش نیروی انسانی در بلندمدت می‌تواند اثرات مثبتی بر افزایش تولید ناخالص داخلی داشته باشد. یک واحد افزایش در شاخص سرمایه انسانی، تولید ناخالص داخلی را $0/2$ درصد افزایش می‌دهد. شاخص فیزیکی کیفیت زندگی اثر مثبت و معنادار بر لگاریتم تولید ناخالص داخلی دارد. یک واحد افزایش در شاخص فیزیکی کیفیت زندگی $0/004$ درصد، تولید ناخالص داخلی را افزایش می‌دهد. شاخص رفاه آمارتیا سن در بلندمدت اثر مثبت و معنادار بر لگاریتم تولید ناخالص داخلی دارد. یک واحد افزایش در شاخص رفاه آمارتیا سن، $0/07$ درصد تولید ناخالص داخلی را افزایش می‌دهد. شاخص باز بودن تجارت اثر مثبت و بی‌معنا بر لگاریتم تولید ناخالص داخلی دارد. همچنین، ECM برای مدل حاضر منفی و معنادار بوده و هم‌جمعی بین متغیرها تأیید می‌شود و ضریب برابر $-0/7$ است که نشان می‌دهد سرعت تعدیل مدل نسبتاً بالا است و تعدیل انحراف از رابطه تعادلی بلندمدت در حدود یک و نیم دوره است. پایداری ضرایب با آزمون CUSUM و CUSUMQ لازم است بررسی شود. آماره CUSUM برای یافتن تغییرات سیستماتیک در ضرایب رگرسیون استفاده می‌شود و CUSUM OF SQUARE برای زمانی است که انحراف از پایداری ضرایب اتفاقی و ناگهانی است. نتایج آزمون ثبات ساختاری در نمودارهای ۱ و ۲ ارائه شده است.

۴-۲- مدل دوم

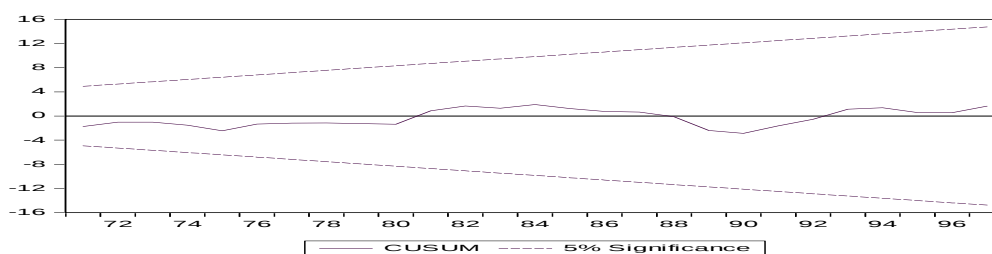
برای برآورد مدل دوم، رابطه بین عدالت و رشد اقتصادی طی دوره زمانی ۹۸-۱۳۷۵ با توجه به اینکه همه متغیرهای $I(1)$ هستند و همچنین رابطه هم‌انباشتگی بین متغیرها با استفاده از

1. Engel-Granger Cointegration

2. Deseau et al.

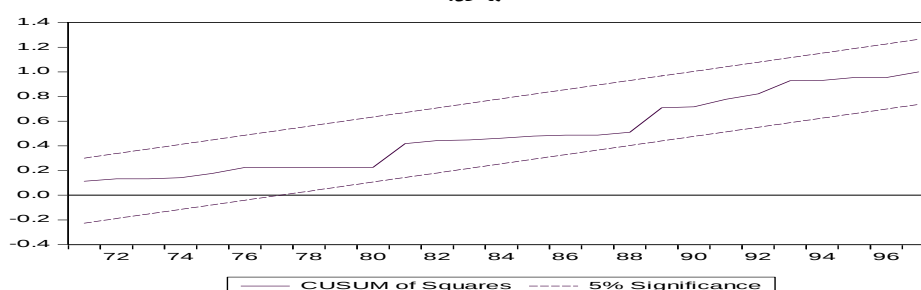
نتیجه مدل اول است. یک واحد افزایش در شاخص رفاه آماریتاسن تولید ناخالص داخلی را ۰/۰۵ درصد افزایش می‌دهد.

۰/۵ درصد افزایش می‌دهد. متغیر شاخص رفاه آماریتاسن به‌عنوان شاخصی برای عدالت بعد از تولید اثر مثبت و معنادار بر لگاریتم تولید ناخالص داخلی دارد که این مورد همسو با



نمودار ۱. نتایج آزمون ثبات ساختاری با روش محاسبه پسماند تجمعی (CUSUM)

مأخذ:



نمودار ۲. نتایج آزمون ثبات ساختاری با روش محاسبه پسماند تجمعی مجذور (CUSUMQ)

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۶. نتایج تخمین روش FMOLS

متغیر	ضریب	آماره t	خطا	معناداری
efi	۰/۰۰۵	۴/۴	۰/۰۰	معنادار
inv	۰/۰۰۵	۳/۸	۰/۰۰۱	معنادار
hc	۰/۵	۱۱	۰/۰۰	معنادار
w	۰/۰۵	۸/۹	۰/۰۰	معنادار
c	۱۲/۴	۱۹/۶	۰/۰۰	معنادار

آماره جاکر برا: ۲/۷(۰/۳)

R^2 تعدیل شده: ۰/۹۹

خطای استاندارد رگرسیون: ۰/۰۲

مأخذ: یافته‌های پژوهش

آماریتاسن به‌عنوان شاخص عدالت بعد از تولید اثر مثبت و معنادار بر لگاریتم تولید ناخالص داخلی دارد. دو شاخص فیزیکی کیفیت زندگی و بهره‌وری کل با توجه به اینکه تخمین مدل را دچار مشکل می‌کرد از برآورد حذف شدند. شاخص آزادسازی اقتصادی نیز به‌عنوان نماینده‌ای از عدالت اجتماعی اثر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی دارد. در کل، می‌توان گفت تنها اثر شاخص عدالت بعد از تولید در هر دو مدل بر رشد اقتصادی مثبت و معنادار است و برای برقراری عدالت در یک جامعه اسلامی لازم است که عدالت در مراحل مختلف در نظر گرفته شود که در ایران این‌گونه نیست و

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در مطالعه حاضر به‌دنبال پاسخ به این پرسش بودیم که اثر شاخص‌های مختلف عدالت بر رشد اقتصادی در اقتصاد ایران به‌عنوان یک جامعه اسلامی چگونه است؟

برای عدالت، با توجه به عدالت از دیدگاه اقتصاددانان اسلامی از شاخص‌های مختلفی، برای عدالت قبل از تولید، فرآیند و بعد از تولید استفاده شد. در مدل اول، اثر شاخص حق نسل‌های آینده در کوتاه‌مدت و بلندمدت منفی و اثر شاخص فیزیکی کیفیت زندگی و شاخص رفاه آماریتاسن مثبت است. نتایج مدل دوم، نشان می‌دهد که متغیر شاخص رفاه

عوامل تولید و چه بین نسلی و در نظر گرفتن حق نسل‌های آینده توجه ویژه‌ای شود. به‌ویژه اینکه در ایران درآمد‌های حاصل از نفت و گاز برای بلندمدت سرمایه‌گذاری نمی‌شود و بیشتر به هزینه‌های جاری اختصاص داده می‌شود و لازم است در این مورد تجدید نظر صورت بگیرد. همچنین، لازم است از عوامل تولید به‌ویژه انرژی که در ایران فراوان و ارزان، در دسترس بنگاه‌ها قرار دارد، به‌صورت بهینه استفاده شود تا از این طریق با برقراری عدالت فرآیند تولید به رشد اقتصادی نیز کمک شود. در کنار برقراری عدالت اقتصادی لازم است که عدالت اجتماعی نیز برقرار و جاری باشد تا تأثیرگذاری عدالت بر رشد اقتصادی بیشتر شود. همچنین، بدین‌صورت با مشاهده عدالت اجتماعی در کنار عدالت اقتصادی، انگیزه سرمایه‌گذاران برای مشارکت در تولید و همچنین مشارکت در سرمایه‌گذاری برای تولید بیشتر می‌شود که باعث اثر مثبت بر رشد اقتصادی می‌شود که این مورد در مدل دوم این پژوهش نیز مشاهده شد. همچنین، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها توسط دولت می‌تواند نقش زیادی در رشد اقتصادی داشته باشد و باعث ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاران در جهت سرمایه‌گذاری بیشتر در بخش‌های مختلف تولیدی شود.

بنابراین برای تسریع فرآیند رشد و توسعه پایدار در بلندمدت لازم است علاوه بر عدالت بعد از تولید به عدالت فرآیند و قبل از تولید نیز در کنار عدالت اجتماعی توجه شود.

نتایج نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در مدل اول در بلندمدت اثر منفی و بی‌معنا و در مدل دوم اثر مثبت و معنادار بر لگاریتم تولید ناخالص داخلی دارد. در مورد آن می‌توان بیان کرد که در نظر گرفتن عدالت اجتماعی در کنار عدالت اقتصادی می‌تواند اثرات مثبت بیشتری بر اقتصاد داشته باشد و باعث می‌شود، سرمایه‌گذاران انگیزه بیشتری برای سرمایه‌گذاری با در نظر گرفتن شرایط جامعه و جاری شدن و بهبود عدالت در جامعه داشته باشند. شاخص سرمایه انسانی به‌عنوان نیروی کار مؤثر در مدل اول و دوم اثر مثبت و معنادار بر لگاریتم تولید ناخالص داخلی دارد. بنابراین، توجه به آموزش و بهبود نیروی انسانی می‌تواند باعث افزایش رشد اقتصادی و حرکت به سمت توسعه پایدار شود.

با توجه به نتایج، پیشنهاد می‌شود که برای افزایش تأثیر عدالت بر رشد اقتصادی به عدالت در تمام مراحل با توجه به آموزه‌های دینی توجه شود و به برقراری عدالت در تمام سطوح و آحاد جامعه توجه ویژه‌ای شود. به‌ویژه به عدالت فرآیند تولید چه درون نسلی از طریق بهره‌وری کل و استفاده بهینه از

منابع

ج ۱۷). قم: مرکز الابحاث والدراسات التخصصیه للشهید

صدر.

صدر، سید محمدباقر (۱۳۷۵). "اقتصادنا". قم: دفتر تبلیغات اسلامی، اول.

صدر، سید محمدباقر (۱۳۸۷). "اقتصادنا". قم: دفتر تبلیغات اسلامی، سوم.

عیوضلو، حسین (۱۳۹۹). "مبانی نظری اقتصاد اسلامی، تهران". سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

مصباحی مقدم، غلامرضا (۱۳۸۳). "مجموعه مقالات اقتصاد". تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

نظری، حسن (۱۳۸۲). "عدالت اقتصادی از نظر هایک و اسلام". *مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، ۳۵، ۹۸-۸۵.

یوسف خیل، حسین (۱۳۷۵). "عدالت اجتماعی، رشد و توسعه اقتصادی با نگرشی به دیدگاه اسلامی". (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.

القرآن الکریم.

پبله‌فروش، میثم (۱۳۸۴). "شاخص‌های عدالت اقتصادی و اندازه‌گیری آن (مطالعه موردی: استان قزوین)". (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.

صدر، امام موسی (۱۳۸۶). "رهیافت‌های اقتصاد اسلام". ترجمه مهدی فرخیان، تهران: مؤسسه فرهنگی-تحقیقاتی امام موسی صدر.

صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۹). "اقتصادنا". قم: مرکز الابحاث والدراسات التخصصیه للشهید الصدر.

صدر، سید محمدباقر (۱۴۲۹). "اقتصادنا" (موسوعه الشهید الصدر، ج ۳). قم: مرکز الابحاث والدراسات التخصصیه للشهید الصدر.

صدر، سید محمدباقر (۱۴۲۹). "لمدرسه الاسلامیه (موسوعه الشهید الصدر، ج ۵)". قم: مرکز الابحاث والدراسات التخصصیه للشهید الصدر.

صدر، سید محمدباقر (۱۴۲۹). "ومضات (موسوعه الشهید الصد،

سالانه اقتصاد اسلامی، تهران: پژوهشکده اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس.

یوسفی، محمدرضا (۱۳۷۸). "بررسی فقهی مبادله رشد اقتصادی و عدالت". مجموعه مقالات اولین همایش دو

- Ahmad, K. H. (1995). "Studies in Islamic Economics". Mahdavi, M. J. (ed), Tehran, Astan Quds Razavi Publications. (In Persian).
- Ahmad, Z. (1991). "Islam, Poverty and Income Distribution". Cromwell Press.
- Aiyar, S. h. & Ebeke, C. H. (2020). "Inequality of Opportunity, Inequality of Income and Economic Growth". *World Development*, 136(12), 105115.
- Baccaro, L. & Pontusson, J. (2016). "Rethinking Comparative Political Economy: The Growth Model Perspective". *Politics & Society*, 44(2), 175-207.
- Bakhshi Dastjerdi, R. (2011). "The Impact of Intertemporal Justice on Economic Growth with Emphasis on Time Preference in the Iranian Economy". *The Economic Research (Sustainable Growth and Development)*, 11(1), 19-41. (In Persian).
- Bakhtiari, S., Meisami, H. & Soleimani, M. (2013). "Income Inequality from an Islamic Perspective and its Effects on Economic Growth of Iran". *Islamic Economics Studies*, 5(1), 81-103. (In Persian).
- Balcilar, M., Gupta, R., Ma, W. & Makena, P. (2021). "Income Inequality and Economic Growth: A Re-Examination of Theory and Evidence". *Review of Development Economics*, 25(2), 737-757.
- Bryant, T. (2015). "Implications of Public Policy Change Models for Addressing Income-Related Health Inequalities". *Canadian Public Policy*, 41(S2): S10-S16.
- Chappra, M. O. (1998). "The Islamic Welfare State and its Role in the Economy". Tehran, Astan Quds Razavi Publications. (In Persian).
- Deseau, A., Levia, A. & Schmiegelow, M. (2019). "Access to Justice and Economic Development: Evidence from an International Panel Dataset". *Discussion Paper*, 2019-9.
- Eivazloo, H. (2007). "Indicators of Economic Justice". Tehran, Expediency Discernment Council. (In Persian).
- Eivazloo, H. (2020). "The Theoretical Foundations of Islamic Economics". Tehran, The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT). (In Persian).
- Feenstra, R. C., Inklaar, R. & Marcel, P. T. (2015). "The Next Generation of the Penn World Table". *American Economic Review*, 105(10): 3150-3182.
- Helpman, E. (2016). "Globalization and Wage Inequality, The National Bureau of Economic Research". *Working Paper*, No. 22944.
- Hoseini, S. R. (2009). "Criteria of Economic Justice from the Perspective of Islam (a Critical Review of Martyr Sadr)". *Islamic Economic*, 8(32), 5-36. (In Persian).
- Hoseini, S. R. (2012). "The Concept and Nature of Social Justice With an Islamic Approach". *Islamic Economic*, 11(44), 5-30. (In Persian).
- Kerrissey, J. (2015). "Collective Labor Rights and Income Inequality". *America Sociological Review*, 80(3), 626-653.
- Li, S. & Wang, B. (2020). "Is Social Justice the Superior Economic Growth Model? Comparative Analysis on G20 Countries". *Cogent Social Sciences*, 6(1), 1-19.
- Lubrano, M. (2017). "The Econometrics of Inequality and Poverty". Lecture 3: Welfare functions, inequality and poverty.
- Morris, M. D. (1980). "The Physical Quality of Life Index (PQLI)". *Development Digest*, 18(1), 95-109.
- Nazari, H. (2003). "Economic Justice from Hayek's and an Islamic Perspective". *The Journal of Economic Studies and Policies*, 35, 85-98. (In Persian).
- Ostry, J. D., Berg, A. & Tsangarides, C. G. (2014). "Redistribution, Inequality, and Growth". *IMF Staff Discussion Note*.
- Parsaian, M. (2021). "The Relationship between Economic Development and Economic Justice from the Perspective of the Qur'an". *Interdisciplinary Quranic Studies*, 12(1), 99-120. (In Persian).
- Pesaran, M., Shin, Y. & Smith, R. J. (2001). "Bounds Testing Approaches to the

- Analysis of Level Relationships”. *Journal of Applied Econometrics*, 16(special issue), 289-326.
- Roayaei, M. & Davoodabadi Farahani, M. (2021). “Implication of the Principle of Justice in Economic Governance Based on the Theory of Shahid Sadr (With Emphasis on Distributive Justice)”. *Fundamental Researches on Humanities*, 7(22), 107-132. (In Persian).
- Sadr, M. (2007). “*Approach of Islamic Economics*”. Fakhrian, M. (ed), Tehran, Imam Musa Sadr Cultural-Research Institute. (In Persian).
- Sarabadani, H. & Paighami, A. (2017). “A Conceptual Explanation of the Theory of Social Justice in the View of Shahid Sadr”. *Naghd va nazar*, 22(2), 35-64. (In Persian).
- Shakeri, A., Momeni, F., Alizadeh, A. Kh. & Makhzan Mousavi, S. H. (2019). “Assessing the Synthesized Index of Economic Justice with an Islamic Approach in Iran (1995-2018)”. *Journal of Iran 's Economic Essay; an Islamic Approach*, 16(31), 9-49. (In Persian).
- Shakeri, A., Momeni, F., Alizadeh, A. Kh. Makhzan Mousavi, S. H. (2019). “An Introduction to Combined Index of Economic Justice: An Islamic Approach”. *Islamic Economy*, 19(74), 5-33. (In Persian).
- Solimano, A. (1998). “Growth Distributive Justice and Social Policy”. *Cepal Review*, 65, 31-45.
- Syednourani, S. M. & Khandoozi, S. E. (2016). “Introduction and Calculation of the Composite Index of Economic Justice Regarding Islamic Perspective in Iran”. *Majlis & Rahbord*, 23(85), 57-84. (In Persian).
- Tashkini, A. (2014). “*Applied Econometrics with Microfit (First Edition)*”. Thran, Noreelm Press. (In Persian).
- Toutounchian, I. & Eivazloo, H. (2001). “Application of the Theory of Economic Justice for Wealth and Income Distribution Under an Islamic System”. *Economic Research*, 35(57), 97-132. (In Persian).
- Zarqa, M. A. (1992). “*A partial Relationship in a Muslim Utility Function, in Readings in Microeconomics in Islamic perspective (first edition)*”. Malaysia: Longman.
- Zarra-Nezhad, M., Khodapanah, M. & Kamranpoor, S. (2019). “Investigating Iran's Economy Using a Macro-Econometric Model from Islamic Economic Perspective”. *Islamic Economy*, 19(73), 5-30. (In Persian).